

بزهکاران پیشینه‌دار؛ از سرکوبی بزهکاران خطرناک تا مدیریت خطر

ارتکاب جرم

دکتر محمدعلی بابایی *

چکیده

بازگشت بزهکار به رفتار جنایی سابق از مظاهر ستیزه جویی فرد با جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. چنین حالتی به دلیل خطرناک بودن برای تعیین مناسب‌ترین تدبیر مقابله، همواره مورد توجه خاص قانون‌گذاران بوده است. تحولات حقوق کیفری به‌طور عام و تاریخ حقوق کیفری ایران به‌طور خاص نشان می‌دهد که رویکرد سنتی نسبت به بزهکاران سابقه‌دار، تشدید کیفر بوده است. در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان علاوه بر مجازات قانونی، نظارت و مراقبت را نیز به منظور مدیریت خطر ارتکاب جرم از سوی این قبیل بزهکاران پیش‌بینی کرده‌اند. قانون‌گذار ایران نیز با تصویب ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۸۷ جلوه‌ای از مدیریت احتمال خطر ارتکاب جرم را از سوی اینگونه بزهکاران ارائه نموده است. بررسی تدابیر مقابله با بزهکاران سابقه‌دار و مکرر در اندیشه و آراء دانشمندان و قوانین بعضی کشورها با تأکید بر رویکرد تقنینی ایران موضوع مقاله حاضر است.

کلید واژگان

پیشینه کیفری، مجرم سابقه‌دار، سرکوبگری، مدیریت خطر، بزهکار خطرناک.

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

مقدمه

جوامع بشری همواره با معضل پدیده مجرمانه دست به گریبان بوده است. در این میان، جامعه از سوی گروه خاصی از بزهکاران خطر بیشتری احساس می‌نماید. بنابراین ضرورت اتخاذ تدابیر کارآمد با هدف بی‌خطر کردن این افراد، از یک سو و مصونیت بخشی جامعه از سوی دیگر احساس می‌شود. وجود چنین دغدغه‌های اجتماعی در قبال بزهکاران به اندازه عمر جوامع بشری سابقه دارد.

افلاطون قرن‌ها قبل از ظهور و پیدایش مکاتب جرم‌شناختی و کیفری حمایت از جامعه در قبال بزهکاران، مخصوصاً بزهکاران دارای پیشینه جنایی را به عنوان یکی از نگرانی‌های خود مطرح می‌کند و به این منظور وی سخن از زندانی به نام «سوفرونی ستریون» می‌برد که محل نگهداری بزهکاران غیرقابل اصلاح بود. همچنین وی بیابانی را ترسیم می‌کند که محل نگهداری بزهکاران اصلاح‌ناپذیر است.^۱ ژرمی بنتام نیز در خصوص یادآوری خطر اجتماعی طیف خاصی از بزهکاران، «اعلام خطر» می‌نماید تا با این یادآوری، بشریت را به خطر بعضی از بزهکاران توجه دهد.^۲ بنابر نوشته ژان پیناتل از آغاز قرن نوزدهم یافته‌های روانپزشکی سخن از افرادی به میان آورد که از خود بیگانه و برای جامعه خطرناک بودند، لذا ضرورت مقابله با چنین افرادی بیش از پیش احساس گردید.^۳

۱. حسینی نژاد، حسینقلی؛ دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰، ص ۲۳.

۲. گسن، ریموند؛ جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰ ص ۵۱.

3. Jean Pinatel 1970 . Criminologie , Paris. p.551.

در اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی همواره در تقسیم‌بندی مجرمین، سخن از گروه‌های خاصی از بزه‌کاران به میان آمده است که غیر قابل اصلاح تلقی و به همین جهت برای جامعه خطرناک توصیف شده‌اند.^۴ مقاله رافائل گاروفالو تحت عنوان «خطرناکی» را که در اکتبر ۱۸۷۸ نوشته شد، باید نقطه اوج تبلور مفهوم مجرمین خطرناک در مکتب تحقیقی دانست.

به موازات این اندیشه‌ها، در سطح بین‌المللی برای نخستین بار در سال ۱۹۱۰ اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری مقرر داشت: قانون بایستی خواه به جهت تکرار قانونی جرم و خواه به لحاظ جرم به عادت و یا سابقه مجرم که به وسیله ارتکاب جنحه و جنایت به منصفه ظهور می‌رسد، به منظور اطمینان از امنیت اجتماع، تأمین‌های ویژه‌ای را درباره مجرمین خطرناک، تاسیس و برقرار نماید.

به دنبال این تأکید، بعضی از کشورها توجه خاصی به گروهی از مجرمین نمودند که در مقایسه با سایر بزه‌کاران غیر قابل اصلاح جلوه می‌نمودند. اما واکنش جامعه در قبال چنین بزه‌کارانی رسماً در سپتامبر و اکتبر ۱۹۵۳ در دومین کنگره جرم‌شناسی در پاریس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

فن لیست از بنیان‌گذاران اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در نوشته‌های خود تأکید می‌نماید: هرگاه با توجه به وضع روحی و جسمی فرد مجرم، استنباط شود که با وجود اجرای مجازات متعارف نمی‌توان از تکرار جرم جلوگیری کرد، چنین فردی خطرناک است.^۵

۴. انریکو فری یکی از بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی بزه‌کاران را به پنج دسته تقسیم کرد. در دو گروه اول یعنی بزه‌کاران مادر زاد و بزه‌کاران روانی عوامل انسان‌شناسی نقش تعیین‌کننده دارد. اما در سه گروه دیگر، یعنی بزه‌کاران به عادت و بزه‌کاران هیجانی و بزه‌کاران اتفاقی، عوامل محیط اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. در تقسیم‌بندی فری بزه‌کاران مادرزاد، روانی و به عادت، خطرناک تلقی می‌شوند.

۵. ناصر، قاسمی؛ اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۸۵.

در دهه‌های اخیر نیز همواره سخن از حالت مداوم و مستمری می‌شود که بلحاظ وجود آن در بعضی از اشخاص، وقوع رفتارهای خشونت بار یا بازگشت به رفتار جنایی سابق محتمل بنظر می‌رسد.^۶

به این ترتیب دغدغه شناسایی و مقابله با بزهکاران خطرناک بویژه بزهکاران دارای سابقه رفتار مجرمانه همیشه در جوامع بشری وجود داشته و دارد.

در این مقاله نخست اشاره‌ای به آراء و اندیشه‌های مکاتب کیفری در زمینه مقابله با بزهکاران مکرر و سابقه‌دار و بازتاب این اندیشه‌ها در قوانین کیفری بعضی از کشورها بررسی می‌شود، سپس رویکرد تقنینی ایران نسبت به تکرار جرم، به ویژه در مورد مقابله با بزهکاران سابقه‌دار و خطرناک – که از سرکوبی به نظارت و مدیریت خطر بزهکاران تغییر یافته است – تحلیل خواهد شد.

۱. اندیشه‌ها و تدابیر نظام‌مند مکاتب کیفری

۱.۱. اندیشه‌ها

قرن‌ها قبل از آنکه مکتب تحقیقی برخورد با پدیده مجرمانه و مجرمین خطرناک و تدابیر مقابله با آن را ساماندهی علمی نماید، افلاطون مفهوم حمایت از جامعه در مقابل بزهکاران غیرقابل اصلاح را مطرح کرده بود.

از سال ۱۰۵۰ قبل از میلاد کتابی شامل بیست فصل وجود دارد که توصیه می‌کند، مجازات باید اصلاح مجرم را به همراه داشته باشد و حکم اعدام در خصوص مجرمان خطرناک برای جامعه جایز است.^۷

6. Darton, katherin (2001): Dangerousness, London, Mind publisher, p.25 , Curt , R (1995): Criminal Behaviour , U.S.A.Bartol P.215. Tleilbrun Alfred 1996: Criminal Dangerousness And Risk of violence , Maryland , London.P.25.

۷. حسینی نژاد؛ پیشین، ص ۲۲.

اندیشه‌های حاکم بر تصویب قوانین اروپایی پیش از انقلاب فرانسه مانند: قانون مشهور «کارلین» که شارل پنجم در سال ۱۵۳۲ دستور اجرای آن را صادر نمود، مفید این معنی است که: اگر کسی پس از ارتکاب جرم اول، علی‌رغم تعهد به عدم ارتکاب جرم، مجدداً مرتکب جرم شود، قاضی می‌تواند او را تا هنگامی که وثیقه‌ای برای حسن رفتار خود نداده در زندان نگاهدارد. کما این که قانون ۱۷۷۷ اسپانیا نیز با همین اندیشه به قاضی اجازه داده بود پس از انقضای مدت محکومیت مجرم، چنانچه او را برای جامعه خطرناک تشخیص دهد تا دو سال دیگر نیز در زندان نگاهدارد.^۸

پس از تولد مکتب تحقیقی که عقیده بر عدم کارآیی معیارهای پیشنهادی مکتب کلاسیک داشت، توجه به حالات شخص بزه‌کار، جایگزین توجه به شدت و وخامت جرم، شد. گاروفالو در این مکتب تأکید می‌نماید که: فرآیند جامعه به شکل طرد واکنشی است که در نظر اجتماعی ضرورتاً از واکنش بدکارانه مایه می‌گیرد. این یک اصل زیست‌شناختی است که هرگاه عیوب یک فرد او را از تحمل تأثیرات محیط بازدارد، به ناچار نابود می‌شود. قدرت اجتماعی همانگونه که طبیعت در نظام زیستی عمل می‌کند، باید به این انتخاب مبادرت کند. هدف از طرد صیانت پیکر اجتماعی با از میان برداشتن اعضایی است که قابلیت لازم را ندارند.^۹

با دقت در تحولات تاریخی حقوق کیفری به روشنی دیده می‌شود که نظام مقابله با بزه‌کاران سابقه‌دار که نمودی از بزه‌کاران ضد اجتماعی خطرناک تلقی می‌شوند، همواره سخت گیرانه بوده است.

۸. همان .

۹. محمد علی، اردبیلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۹۷.

سزار بکاریا علی‌رغم اینکه مخالف سرسخت کیفر مرگ بود، در خصوص بزه‌کاران غیر قابل اصلاح که عوامل بازدارنده دیگر کارآیی ندارند، مجازات مرگ را تجویز می‌کند.^{۱۰} ژرمی بنتام نیز با توجه به نوع مجازات‌هایی که برای مجرمان پیشنهاد می‌نماید، زندان مخوف «قابل رؤیت و نظارت تام» را برای بزه‌کاران خطرناک، مناسب می‌داند.^{۱۱} نئوکلاسیک‌ها به رغم عقیده کلی به حذف مجازات‌های شدید، نظیر مجازات‌های بدنی و اعدام، حبس دائم و تبعید را در خصوص بزه‌کاران سابقه‌دار و خطرناک تجویز می‌نمایند.

به‌طوری که «بن ویل دومارسنگی» از نظریه‌پردازان نئوکلاسیک در خصوص بزه‌کارانی که مجازات قبلی آنها منجر به اصلاح نگردیده «بازداشت اضافی» را مطرح می‌کند. در نظر وی، بزه‌کار به مثابه بیماری است که تا زمان بهبودی باید تحت مراقبت باشد و در صورت لزوم و استمرار خوی ناسازگاری کماکان در بازداشت خواهد ماند.^{۱۲} در نظر بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی بلحاظ ضرورت دفاع از جامعه، اقدامات دفاع اجتماعی باید در قبال بزه‌کاران سابقه‌دار اتخاذ گردد. آنریکوفری پس از طبقه‌بندی بزه‌کاران برای بزه‌کاران بعادت که دارای سابقه رفتار جنایی اند، تدابیر خاصی از قبیل تبعید به مستعمرات دور دست و حبس در محل مناسب برای مدت نامعین را پیشنهاد می‌کند.^{۱۳}

۱۰. ژان، پرادل؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۴۹. برای ملاحظه اندیشه‌های بکاریا رک: رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. همان ص ۶۶.

۱۲. Balacchield, M. (1995): Dont use hospital as jails, expert pleads, Ottawa (janury 20) P.76.

همچنین بنگرید به: پرادل، ژان، پیشین ص ۷۹.
۱۳. همان ص ۱۰۱.

قانون ۱۸۸۵ فرانسه که تبعید اجباری مجرمان دارای سابقه محکومیت را به جزایر دور دست Guyan تجویز کرده بود، باید مصداق بارز تأثیر تأثیرپذیری قانون‌گذار فرانسوی از اندیشه‌های آنریکوفری دانست. این مجازات تحت عنوان رلگاسیون (Relegation) تدبیری برای طرد مجرمین دارای سوابق متعدد محکومیت، محسوب می‌شد.^{۱۴}

پایه‌گذاران اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری ضمن اعتقاد به دفاع جامعه در قبال بزه‌کاران سابقه‌دار، یکی از مصادیق بزه‌کاران خطرناک را کسانی میدانند که مرتکب تکرار جرم شده‌اند.^{۱۵} این اتحادیه و به دنبال آن مکتب دفاع اجتماعی، تدابیر نظام‌مندتری برای مقابله با بزه‌کاران سابقه‌دار اندیشیده‌اند.

۲.۱. تدابیر نظام‌مند

اندیشه‌های مقابله با بزه‌کاران خطرناک و سابقه‌دار با توجه به اساسنامه اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری از این جهت که آثار عملی در قانون‌گذاری‌ها بر جای گذاشت، واجد اهمیت بود.^{۱۶}

در اساسنامه اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری آمده است: رسالت حقوق کیفری مبارزه با بزه‌کاری به عنوان یک پدیده اجتماعی است و حالت خطرناک اساس سیاست جنایی ایمی است که پیشنهاد می‌شود ولی باید توجه داشت که بزه‌کاران بعاادت و بزه‌کاران

۱۴. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی (مجازات رلگاسیون) جلد دوم، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۵۲، ص ۴۳.

۱۵. محمد علی، اردبیلی؛ پیشین، ص ۱۱۸.

۱۶. تشکیل اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری به دنبال اندیشه‌های مکتب تحقیقی به همت آدلف پرینس از بلژیک، وان هامل از دانشگاه آمستردام و فون لیست از دانشگاه ماربورگ آلمان در ۱۸۸۹ صورت گرفت. در حال حاضر این اتحادیه به «انجمن بین‌المللی حقوق کیفری» تغییر نام داده است.

اتفاقی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند. در خصوص بزه‌کاران دسته نخست باید از تدابیری که هدف آن خارج کردن بزه‌کار از حالت ضرر رساندن است، استفاده شود.^{۱۷}

پرینس به عنوان سخنگوی این اتحادیه معتقد است: انسان‌ها باید به عنوان موجودات اجتماعی که تکالیفی نسبت به اجتماع دارند، مدنظر قرار گیرند. در مجرم باید فردی را دید که به نظم اجتماعی آسیب می‌رساند. از آنجا که تعیین مجازات از طریق درجه مسئولیت میسر نیست و فردی که کمترین مسئولیت را دارد، می‌تواند در عین حال خطرناک‌ترین افراد باشد، معیار خطرناک بودن را جایگزین معیار مسئولیت اخلاقی - آنچه که مکتب تحقیقی نیز به آن اعتقاد داشت - می‌داند. اندیشه اصلی پرینس در مقابله با بزه‌کاران خطرناک از جمله بزه‌کاران دارای سابقه ارتکاب جرم، این است که چنین بزه‌کارانی حتی‌الامکان باید از جامعه جدا شوند، وی حبس ابد را برای اینگونه بزه‌کاران که قانون سال ۱۹۰۸ انگلستان نیز پیش‌بینی کرده بود، جایز می‌داند، ولی با مجازات اعدام مخالف است. فون لیست نیز همسو با پرینس معتقد است: اگر رفتار فرد ناشی از تمایل به جرم باشد، باید سعی کرد از طریق تحمیل مجازات طولانی و شدید، موجبات از بین بردن استعداد مجرمانه را فراهم کرد.

گزارش کنگره اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در کپنهاگ، تصریح دارد: قواعد تأمین اجتماعی در مقابل افراد دارای سابقه ارتکاب جرم در عین حال که با مجازات به معنی اخص فرق دارد باهدف حفظ نظم اجتماعی آینده از خطرات افراد مشکوک وضع می‌شود. این قواعد نباید در حقوق کشوری وارد شود مگر اینکه به موازات آن، قوانینی برای صیانت آزادیهای افراد، وضع شود.^{۱۸}

۱۷. ژان، پرادل؛ پیشین، ص ۱۰۷.

۱۸. گارو؛ مطالعات نظری و عملی حقوق جزا، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸، ص ۴۶۰.

طبق قطعنامه کنگره ۱۹۱۰ بروکسل، قانون باید قواعد خاصی برای دفاع اجتماعی در قبال بزه‌کاران به وجود آورد به علاوه این قواعد متناسب با کیفیت تکرار جرم و عادات سابق و سوابق موروثی و تخصصی بزه‌کاران باشد.^{۱۹} به این ترتیب فعالیت‌های اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در پرتو اندیشه‌های بنیان‌گذاران آن، استفاده از تدابیر سرکوبگر را برای تأمین دفاع اجتماعی با هدف بی‌ضرر کردن بزه‌کاران دارای سابقه ارتکاب جرم، گسترش داد.

مکتب دفاع اجتماعی که پس از اندیشه‌های افراطی فلیپوگراماتیکا توسط مارک آنسل نظریه‌پردازی شد، همواره هدف خود را تأمین امنیت جامعه و عقب راندن بزهکاری می‌داند، لیکن معتقد است، بهترین حمایت از جامعه یعنی مؤثرترین و در عین حال انسانی‌ترین آن، عبارت است از: سازگار ساختن مجدد بزه‌کاران با اجتماع از طریق کلیه وسایل و امکاناتی که به بازیافتن احساس مسئولیت اجتماعی نزد آنها تأثیر می‌گذارد.^{۲۰} در این مکتب حمایت اجتماعی از طریق سازگاری مجدد محکوم علیه، یک وظیفه حقیقی برای جامعه محسوب می‌شود. تأثیر آموزه‌های مکتب دفاع اجتماعی اصلاحات مهمی در پی داشته است. گرایش اهداف زندان به اصلاح و بازپذیر کردن مجرم و تاسیس واحدهای اجتماعی، پزشکی، روان‌شناختی را می‌توان نتیجه تأثیر این آموزه‌ها دانست. چنین اندیشه‌هایی در زمان اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۵۸ فرانسه به حدی بر قانون‌گذار این کشور تأثیر گذاشته بود که پیشنهاد می‌شد در هر مورد که تدابیر شدیدی به دلیل خطرناک بودن فرد اتخاذ می‌گردد، نخست به استناد نظر روان‌پزشکان و

۱۹. شهلا، معظمی؛ حالت خطرناک، رساله دکتری دانشگاه تهران ۱۳۶۳ ص ۱۱۵.

۲۰. مارک، آنسل؛ دفاع اجتماعی نوین، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۹۱.

متخصصین علوم اجتماعی، خطرناکی وی مسلم گردد.^{۲۱} علی‌رغم همه این تأکیدات در اکثر قانون‌گذاری کشورها، سرکوبگری نسبت به بزهکاران دارای پیشینه کیفری بدون استمداد از تدابیر حمایتگر و نظارتی با هدف کنترل و باز پذیر کردن آنها کارایی لازم را نداشته است. ملاحظه رویکرد تقنینی به تکرار جرم، این امر را نمایان خواهد کرد.

۲. رویکرد تقنینی

بی‌تردید تکرار جرم مهم‌ترین معیار قانونی در خطرناک بودن فرد تلقی می‌شود. این حالت به معنی سقوط مجدد فرد و بازگشت وی به انجام رفتار مجرمانه است، در حالی که قبلاً مجازات جرم ارتكابی را تحمل کرده است. گفته می‌شود رفتار مجرمانه مکرر و سابقه اعمال خشونت بار، نشانگر وجود تمایل به ارتكاب جرم در شخص بزهکار است. یعنی اینکه فرد با توجه به گذشته‌های خاص خود، احتمالاً در آینده نیز مرتکب جرم خواهد شد.^{۲۲}

مطالعات جدید که در چند دهه اخیر انجام شده، نشان می‌دهد که از میان توده بزهکاران یک اقلیت کوچک مباشر مجموعه‌ای از جرائم می‌باشند، به‌طوری که حدود ۱۰ درصد جمعیت کیفری تقریباً ۵۰ درصد کل جرائم را مرتکب می‌شوند. این افراد کسانی هستند که مرتکب جرائم متعدد و دارای سوابق محکومیت فراوان می‌باشند. موريس کوسون جرم‌شناس کانادایی این نوع بزهکاران را «ابر بزهکار» می‌خواند.^{۲۳}

21. Menzies, R. Webster, C and scaglione, R. (1994): Assessing Forensic predictions about violence , law and Human Behaviour , 18 (2) - 34 .

22. Norval Morriss (1957): The Habitual Criminal , London , longman press. P. 130.

۲۳. ریموند، گسن؛ جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران- انتشارات مجد، ۱۳۷۴، ص ۲۱۶.

پژوهشی در ایالت نیویورک آمریکا نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از جرائمی که در این ایالت توسط دادگاه‌ها رسیدگی شده است، به وسیله کسانی ارتکاب یافته است که سابقه مجرمانه داشتند. آمارهای انتشار یافته از سوی دادستانی واشنگتن نیز بیانگر این است که کسانی که سه بار یا بیشتر بازداشت شده‌اند، بیش از ۲۱ درصد جمعیت بازداشت شدگان را تشکیل می‌دهند.^{۲۴}

در کانادا نتایج یک پژوهش از طریق بررسی پرونده‌ها نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از مجرمینی که خطرناک محسوب شده‌اند، دارای سابقه محکومیت کیفری بودند.^{۲۵} متأسفانه در ایران منابع قابل اطمینان که نشان دهنده میزان بازگشت بزهکاران به رفتار جنایی باشد در دسترس نیست. صرفاً در خصوص بعضی از بزهکاران، نظیر مرتکبین جرائم مواد مخدر آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، قابل استفاده است.

رویکرد تقنینی به پدیده بازگشت به رفتار مجرمانه - به عنوان معضل مشترک کشورهای دنیا - را باید در اصلاحات قانون‌گذاری قرن نوزدهم به بعد جستجو کرد. اعمال مجازاتهای سنگین که طرد یا حذف بزهکار را در پی داشت مانع از تلقی تکرار جرم به عنوان پدیده شایع و قابل توجه بود. زیرا با حذف یا تبعید دائمی بزهکاران مکرر امکان تکرار جرم منتفی می‌شد. گسترش اندیشه‌های باز پرورانه و در نتیجه امکان بازگشت بزهکاران مکرر به جامعه پس از تحمیل کیفر، باعث شد که مجال بررسی نتایج این اقدامات بوجود آید و حادث شدن معضل تکرار جرم، مورد توجه خاص قرار گیرد. قوانین

۲۴. حسین، غلامی؛ تکرار جرم، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۸.

25. ACJNET: (1995): A Research on Dangerousness in Canada p. 15.

کیفری آغاز قرن بیستم هماهنگ با اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری، به ویژه اندیشه‌های پرینس مبنی بر جدا کردن بزهکاران خطرناک از جامعه توافق دارد. افکار عمومی و احساسات ملی نیز ندانسته ولی به‌طور قطع معتقد شدند که باید قوانین قاطعی برای رهایی جامعه از شر بزهکاران دارای سابقه ارتکاب جرم، پذیرفته شود. قانون پرتغال در سال ۱۸۹۲ و قانون آرژانتین در سال ۱۹۰۳ تبعید بزهکاران دارای سابقه ارتکاب جرم را پذیرفت. قانون مجرمان بعادت سال ۱۹۰۵ انگلستان مفهوم توقیف احتیاطی را در خصوص این نوع بزهکاران نهادینه کرد. در آمریکا نیز این نهضت قانون‌گذاری، به ورود مفهوم مجازات‌های نامعین در زرادخانه کیفری کمک کرد.

در قانون ۱۸۸۵ فرانسه، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های مسئولان دادگستری این بود که تعیین کنند، اولاً، مرتکبین تکرار جرم را تحت چه شرایطی می‌توان مانند افراد خطرناک دیگر محاکمه کرد و قوانین امنیت اجتماعی را درباره آنها اجرا کرد. ثانیاً، تشکیلاتی که این قواعد را به موقع اجرا گذارند باید چگونه باشند. ثالثاً، مرجع صالح که بتواند یکی از قواعد تأمینی را اختیار کند و اجرای آن را کنترل نماید و عنداللزوم ادامه اجرا را قطع کند باید کدام باشد؟ برای احراز اصلاح ناپذیر بودن تکرار کننده جرم، تعداد محکومیت‌های سابق و فواصل بین هر یک از محکومیت‌های وطیع جرائم ارتكابی مدنظر قرار می‌گرفت.^{۲۶} برای مقابله با بزهکاران سابقه‌دار، حقوق‌دانان و قانون‌گذاران از یک سو و جرم‌شناسان و دانشمندان سایر علوم از سوی دیگر تدابیر خاصی اندیشیده‌اند. اولین و عمومی‌ترین راه حل قانون‌گذاران تشدید کیفر است. این اندیشه که بیش از یک سده بر اندیشه‌های کیفری حکومت داشت، به دنبال کاهش تکرار جرم بود. نهایتاً با ظهور و بسط مطالعات کیفرشناسان و جرم‌شناسان تأکید بر بازپروری و نو اجتماعی کردن، بر

۲۶. گارو؛ پیشین ص ۴۶۷.

مجازات‌های خشن در بعضی از کشورها تفوق پیدا کرد. به این ترتیب با احداث مراکز بزرگ اصلاح و تربیت و ارائه آموزش‌های علمی و حرفه‌ای و استفاده از روان‌پزشکان و روان‌شناسان، اصلاح بزهکاران قوت گرفت.^{۲۷}

در این رویکرد هر چند بزهکاران دارای پیشینه کیفری از مصادیق بزهکاران خطرناک تلقی می‌شدند، ولی قبل از آنکه مجرم تلقی شوند، بیمار قلمداد گردیدند و زندان قبل از آنکه محلی برای تحمل مجازات باشد، به عنوان وسیله‌ای برای درمان مجرمین سابقه‌دار، مورد توجه قرار گرفت.

قانون مجازات عمومی ۱۹۶۲ سوئد نمونه دیگری از رویکرد خاص قانون‌گذار به پدیده تکرار جرم محسوب می‌شود. در این قانون دو نوع اقدام تأمینی سلب‌کننده آزادی پیش‌بینی شده بود. اعتقاد این بود که کسی که به کرات مرتکب جرم می‌شود و به ارتکاب جرم اعتیاد دارد، همواره از یک نوع انحراف فکری رنج می‌برد. لذا چنین فردی باید تحت تدابیر خاص جهت اصلاح قرار گیرد.^{۲۸}

نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها از جمله فرانسه به دنبال چنین رویکردی دچار تحولات بنیادین شدند به طوری که قانون‌گذار فرانسوی از یک دهه قبل با وضع قوانین مختلف در باره تکرار کنندگان جرم، سعی کرده است با استفاده از مراقبتهای اجتماعی - قضایی، نظارت الکترونیکی سیار بر محکومان خطرناک آزادشده، خطرناکی و احتمال ارتکاب دوباره جرم آنان را مدیریت کند. آخرین ابتکار قانون‌گذار فرانسوی برای

۲۷. تاج زمان، دانش؛ مجموعه قانون کیفری اجرایی لهستان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۶۰، شماره ۲۲.

۲۸. ایوان، استراهل؛ نکات برجسته قانون جزای جدید سوئد، ترجمه پرویز پرویزفر، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۳۰، ۱۳۴۳، ص ۶.

مدیریت خطرناکی مجرمانه تصویب قانون ۲۵ فوریه ۲۰۰۸ درباره نگهداری تأمینی پس از اجرای حکم اصلی در یک مرکز تخصصی یعنی مرکز اجتماعی-پزشکی-قضایی به منظور خنثی کردن خطرناکی بزهکاران است.^{۲۹} اما رویکرد متفاوت قانون‌گذار ایران در قبال بزهکاران خطرناک با پیشینه ارتکاب جرم، به عنوان موضوع محوری این مقاله قابل توجه است.

۲.۱. رویکرد سرکوبگر در حقوق ایران

در ایران از زمانی که اولین قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به تصویب رسید تا کنون رویکرد قانون‌گذار نسبت بزهکاران دارای پیشینه کیفری، تشدید کیفر بوده است. در قانون یاد شده با توجه به ماهیت جرائم جنحه‌ای و جنایی دو روش برای مقابله با تکرارکنندگان جرم، پیش‌بینی شده بود. تحقق تکرار در جرائم جنایی از لحاظ زمانی محدود نبود، در حالی که تکرار در جرائم جنحه‌ای منوط به ارتکاب جرم جدید ظرف پنج سال از تاریخ اتمام مجازات یا رفع آن به واسطه شمول مرور زمان بود. واکنش قانون‌گذار در قبال این نوع بزهکاران تشدید اختیاری مجازات بود. مقررات قانون سال ۱۳۰۴ در مورد تکرار جرم در سال ۱۳۱۰ مورد بازنگری قرار گرفت. البته این بازنگری بیش از آنکه بیانگر تغییر در نگرش قانون‌گذار باشد، مبنای پیروی مستمر از شدت مجازات‌ها بود. آنچه در ماده ۲۵ اصلاحی ۱۳۱۰ ملاحظه می‌شود، تأکید قانون‌گذار بر تعیین شدت مجازات به دلیل تعدد سوابق محکومیت بزهکار بود. به این معنا که افزایش تعداد سوابق کیفری میزان مجازات نیز به نحو قابل توجهی افزایش می‌یافت.

۲۹. علی حسین، نجفی ابرند آبادی؛ کیفر شناسی نو - جرم‌شناسی نو، تازه‌های علوم جنایی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸، ص ۷۳۸.

مطابق یافته‌های جرم‌شناسی افزایش بازداشت، درگیری پلیس و تحمل مجازات بیشتر، از عوامل مؤثر در افزایش تکرار جرم است. به عبارت دیگر به میزانی که بر سوابق محکومیت فرد افزوده می‌شد. به همان میزان از طول مدت زمانی که بزه‌کار به فرآیند جنایی باز می‌گردد، کاسته می‌شود. طبق تحقیقات به عمل آمده، با ۱۰ بازداشت به خاطر ارتکاب جرم، فاصله زمانی بین اولین بازداشت با دهمین بازداشت ۲/۳ برابر کمتر از فاصله زمانی بین اولین بازداشت با دومین بازداشت است.^{۳۰}

در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ قسمت کلیات قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ اصلاح شد. این قانون در فضایی تصویب شد که قانون اقدامات تأمینی در ۱۳۳۹ مقررات خاصی را در مورد بزه‌کاران دارای پیشینه کیفری تحت عنوان بزه‌کاران به عادت پیش‌بینی کرده بود. طبق ماده ۲۴ قانون یاد شده هر کس به موجب حکم قطعی به حبس جنحه‌ای یا جنایی محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، مرتکب جنحه یا جنایت دیگری شود مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود. این قانون امکان تحقق تکرار جرم را در کلیه جرائم پیش‌بینی کرده بود و با حذف ده سال و پنج سال از تاریخ اتمام مجازات، عملاً مفهوم تکرار جرم را نسبت به مقررات گذشته گسترش داده بود. ماده ۲۵ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ نیز حدود تشدید مجازات را بیان کرده بود. طبق تبصره ۲ ماده ۲۵ اصلاحی فوق، دادگاه مکلف بود با توجه به تعداد سوابق محکومیت قطعی متهم، مجازات را با خصوصیات شخصی او از قبیل رفتار اجتماعی تمایل یا عادت او به ارتکاب جرم، منطبق سازد.

شاید مهم‌ترین تفاوت این قانون با قانون اصلاحی ۱۳۱۰ این بود که در صورت کثرت سوابق مجرمانه مجازات مرتکب به صورت تصاعدی افزایش نمی‌یافت.

۳۰. حسین، غلامی؛ پیشین، ص ۱۲۵.

بعد از انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه قانون‌گذار تکرار جرائم مستوجب حد را تابع قواعد خاص نموده، در ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، تکرار جرم تعزیری را پس از اجرای حکم جرم قبل، باعث تشدید اختیاری مجازات می‌دانست. بالاخره طبق ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشت: «هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر دیگر گردد، دادگاه می‌تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.

شاید تنها تفاوت ماده یاد شده با قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ در این باشد که قانون‌گذار دامنه تکرار جرم را محدود به ارتکاب جرم نخست نکرده است و به این ترتیب تا حدی از تأکید بر مسئله تخصص در ارتکاب جرم فاصله گرفته است. مضافاً بر اینکه با آوردن جرائم دارای مجازات بازدارنده در کنار جرائم تعزیری، به جرائمی که از شرایط اجتماعی جدید ناشی می‌شود نیز توجه نموده است.

به این ترتیب رویکرد قانون‌گذار ایران، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب نسبت به بزهکاران دارای پیشینه کیفری صرفاً محدود به تشدید کیفر بوده است، در حالی که با توجه به نتایج تحقیقات متعدد که در کشورهای دیگر به عمل آمده صرف تشدید کیفر موجبات صیانت جامعه را در قبال اینگونه بزهکاران فراهم نمی‌کند. بنابراین ضروری است اقدامات و تدابیر دیگری از قبیل کنترل و نظارت پس از تحمل مجازات، اعمال گردد.

۲.۲. رویکرد مدیریت خطر مدار

علی‌رغم اینکه تشدید کیفر سالیان متمادی تنها راه حل مقابله با بزهکاران دارای پیشینه کیفری بود، ولی معضل بازگشت به رفتار جنایی را حل نکرد.

البته در سال ۱۳۳۹ قانون اقدامات تأمینی ضمن بیان هدف و تعریف اقدامات تأمینی^{۳۱} بازگشت مکرر به رفتار جنایی را به عنوان یکی از مظاهر خطرناکی مجرم، در ماده ۵ مورد حکم قرار داده است. «هرگاه کسی به علت ارتکاب جنایت جنحه عمدی که به موجب قانون مجازات حبس برای آن پیش‌بینی گردیده، دو مرتبه یا بیشتر محکوم به حبس بیش از دو ماه باشد و بعد از اجرای مجازات، مرتکب جرمی می‌شود که مستلزم مجازات حبس است و از این رو دادگاه تشخیص دهد که مشارالیه دارای حالت خطرناک بوده و تمایل به ارتکاب جرائم داشته و یا از راه قوادی و یا فحشا و یا نظایر آن امرار معاش می‌نماید، مجرم به عادت محسوب شده و دادگاه می‌تواند حکم نگهداری او را در تبعیدگاه برای مدت نامعین صادر نماید.»

ادامه این ماده مدت تبعید و الزاماتی را که بر تبعید شده تحمیل می‌گردد، بیان نموده است. قانون‌گذار قانون اقدامات تأمینی برای مدیریت خطر مجرمین به عادت، تبعیدگاه را به عنوان مؤسسه‌ای برای نگهداری این قبیل مجرمین پیش‌بینی کرده بود که متأثر از اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی با هدف طرد و مصونیت بخشی جامعه بود. این تدابیر هر چند در زمان خود می‌توانست نقش به سزایی در پیشگیری از تکرار جرم داشته باشد، ولی به دلیل اینکه سازوکار و ملزومات اجرای قانون فراهم نشد، فقط در قالب متون بی‌اثر در مجموعه قوانین باقی ماند.

بالاخره پس از گذشت چندین دهه در تاریخ اردیبهشت ۱۳۸۷ لایحه‌ای از طرف دولت در خصوص نظارت بر سارقین سابقه‌دار تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. متن

۳۱. طبق ماده یک قانون اقدامات تأمینی: اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درمورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد، اعم از اینکه قانوناً مشمول باشند و یا غیر مشمول.

لایحه دولت، نیروی انتظامی را مجاز می‌نمود تا سارقان سابقه‌داری که دوران محکومیت خود را سپری نموده و از زندان آزاد شده‌اند و احتمال ارتکاب مجدد سرقت یا سایر جرائم از سوی آنان وجود دارد، تحت نظارت قرار دهد. در این لایحه، سارقان سابقه‌دار افرادی بودند که حداقل دو فقره سابقه محکومیت داشتند، به علاوه تأکید شده بود که شرکاء و معاونین در جرم سرقت و مال‌خرها نیز مشمول این قانون بوده و سازمان زندان‌ها نیز مکلف شده بود در اجرای این قانون با نیروی انتظامی همکاری نماید. سارقان سابقه‌دار موظف بودند نشانی محل سکونت و اشتغال خود را به نیروی انتظامی محل اطلاع دهند و ضمانت اجرای عدم اعلام نشانی به نیروی انتظامی و یا عدم تمکین به دستورات آن نیرو، گزارش موضوع به مراجع قضایی بود که مشمول تشدید مجازات جرم سرقت قرار می‌گرفت. این لایحه پس از ارائه به مجلس شورای اسلامی به دلیل اینکه از یک سو فقط محدود به سارقان سابقه‌دار می‌شد و سایر بزه‌کاران سابقه‌دار را در برنمی‌گرفت و از سوی دیگر اعمال نظارت را به نیروی انتظامی محول کرده بود، با تغییرات اساسی مواجه شد.

ناگفته نماند که لایحه دولت در خصوص اعمال نظارت بر سارقین سابقه‌دار مبتنی بر این واقعیت است که سوابق کیفری بزه‌کاران عمدتاً سرقت است.^{۳۲} درعمل نیز به لحاظ حاد شدن این موضوع در ایران ضرورت تدوین لایحه را ایجاب می‌کرد.

اما حزم و دور اندیشی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از این جهت که قانون جامع‌تری به تصویب رساندند تا اعمال نظارت بر تمامی بزه‌کاران سابقه‌دار را مدنظر قرار دهد، قابل تقدیر است.^{۳۳}

۳۲. به عنوان مثال بر اساس تحقیقاتی که در چندین ایالت آمریکا صورت گرفته، بیش از ۶۰ درصد کسانی که سابقه جرم سرقت داشتند مجدداً مرتکب جرم شده‌اند. نگاه کنید به:

Trebbly, R E. and Carig, W. M (1995): Development of Crime Prevention, university of chicago. press. pp 51 – 55.

به این ترتیب قانون‌گذار ضمن توجه به معضل ناامنی ناشی از اقدامات بزهکاران سابقه‌دار و پذیرش آن به عنوان یک واقعیت اجتماعی، از طریق اعمال کنترل و نظارت در مقام مدیریت خطر ناشی از جرائم ارتكابی آنان بر آمده است. رویکرد جدید نسبت به بزهکاران مکرر و سابقه‌دار هرچند با تأخیر چندین دهه‌ای مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گرفته ولی نفس این توجه علی‌رغم تأخیر و داشتن ایرادات متعدد با اهمیت است. تحلیل شرایط مذکور در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی ما را به ایرادات این قانون واقف خواهد کرد.

۲.۱. شرایط قانونی اعمال مدیریت خطر

ماده ۴۸ مکرر قانون اسلامی مصوب ۱۳۸۷ برای اعمال نظارت بر بزهکاران سابقه‌دار و اعمال مدیریت بر خطر ناشی از این گونه بزهکاران شرایطی را مقرر کرده است:

الف) شرط نخست به عنوان شرط مقدم برای اعمال نظارت بر بزهکاران سابقه‌دار این است که مرتکب حداقل دارای دو بار سابقه محکومیت مؤثر بدلیل ارتكاب جرم عمدی باشد.

۳۳. مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۷/۲/۱۷ ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی را به شرح زیر تصویب کرد: کسانی که به دلیل ارتكاب جرم عمدی حداقل دوبار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتكاب جرم عمدی دیگر، دادگاه رسیدگی‌کننده ضمن صدور حکم می‌تواند به تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی شخصیت محکومان و علل وقوع جرم آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجراء یک یا چند دستور از دستورات موضوع ماده ۲۹ این قانون ملزم نماید.

تبصره ۱- دادگاه می‌تواند اجراء دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزیستی یا سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی یا نیروی انتظامی محول نماید.

تبصره ۲- در صورتی که محکوم علیه بدون عذر موجه از اجراء دستور دادگاه تخلف نماید در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجراء دستور افزوده خواهد شد و در صورت تکرار تخلف باقیمانده مدت، به حبس تبدیل می‌شود.

تصور قانون‌گذار این بوده است که بزه‌کاران دارای حداقل دوبار سابقه محکومیت، خطرناک تلقی می‌شوند، همانگونه که اکثر قوانین کشورها چنین معیاری را برای خطرناک قلمداد کردن بزه‌کاران مدنظر قرار داده‌اند.^{۳۴}

قید عمدی بودن سوابق محکومیت به این دلیل بوده است که در نظر قانون‌گذار، سوابق محکومیت به دلیل جرائم غیر عمد حکایت از خطرناکی بزه‌کار ندارد. اما قانون‌گذار قید دیگری نیز درخصوص محکومیت‌های قبلی ذکر کرده است و آن عبارت است از اینکه، محکومیت‌های قبلی باید «محکومیت مؤثر» باشند. با توجه به قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر کیفری مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ موارد محکومیت‌های مؤثر کیفری در قوانین جزایی عبارتند از: محکومیت به حد، محکومیت به قطع یا نقص عضو، محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس بیش از یک سال در جرائم عمدی، محکومیت به جزای نقدی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و بالاتر و بالاخره سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات. متن ماده واحده فوق در حال حاضر در بند الف ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعلیق اجرای کیفر تکرار شده است. از نقطه نظر اعمال نظارت بر مجرمین دارای سابقه محکومیت مؤثر کیفری باید خاطر نشان ساخت که طبق بند آخر قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر کیفری و بند ۵ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، لازمه محکومیت مؤثر کیفری این است که مرتکب محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت ارتکاب جرائم عمدی با هر میزان مجازات داشته باشد. اما ماده ۴۸

34. Blumstein, Alfred, Jacqueline cohen (1986) criminal careers and careers criminals, National Academy press , Washington D. C. PP. 55 – 60.

- Gottfredson Michael R and Travis Hirschi (1990): Science , Public policy and career Paradigm, criminology 26 (1). P. 590

مکرر تصریح دارد که مرتکب باید حداقل دوبار سابقه محکومیت مؤثر کیفری داشته باشد که با در نظر گرفتن بند آخر مصادیق محکومیت‌های مؤثر کیفری، لازم می‌آید که لااقل مرتکب سابقه چهار بار محکومیت به دلیل ارتکاب جرم عمدی با هر میزان مجازات داشته باشد، که به نظر نمی‌رسد چنین برداشتی مدنظر قانون‌گذار باشد. چنانچه قانون‌گذار به جای قید «محکومیت مؤثر کیفری» مصادیق محکومیت‌های سابق را که موجب اعمال نظارت نسبت به محکومیت جدید می‌گردید، ذکر می‌کرد چنین ایرادی مطرح نمی‌شد.

ب) شرط فعلی برای اعمال نظارت بر مرتکبین سابقه‌دار این است که جرم ارتكابی جدید عمدی بوده به علاوه دادگاه رسیدگی‌کننده با توجه به سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکوم‌علیه و علل وقوع جرم، اعمال نظارت را ضروری بداند. به قطع و یقین ارتکاب جرم غیر عمدی نشان از خطرناکی بزه‌کار ندارد تا مستلزم اعمال نظارت با هدف بی‌خطر کردن آنها باشد، اما در خصوص احراز خطرناکی به اعتبار سوابق و خصوصیات اخلاقی لازم است، دادگاه اقداماتی را در راستای شناسایی شخصیت بزه‌کار، انجام دهد. به عبارت بهتر، در مرحله رسیدگی نیز باید برای بزه‌کار پرونده شخصیت تشکیل دهد. متأسفانه در حقوق ایران تشکیل پرونده شخصیت فقط در مرحله اجرای مجازات حبس پیش‌بینی شده است و علی‌رغم اینکه در تخفیف، تبدیل و تعلیق اجرای کیفر توجه قاضی را به شرایط خاص مرتکب در حین رسیدگی و صدور حکم مورد تأکید قرار داده متأسفانه ساز و کاری برای تشکیل پرونده شخصیت متهم دادگاه پیش‌بینی نکرده است.

در بعضی کشورها مانند کانادا (مواد ۷۵۴ و ۷۵۵ قانون ۱۹۷۷) قانون‌گذار ضمن تأکید بر تشکیل پرونده شخصیت، استفاده از نظریات اهل خبره به خصوص روان‌شناسان و

روان‌پزشکان را برای تعیین خصوصیت شخصیتی مرتکب لازم می‌داند.^{۳۵} قانون ۱۹۹۴ استرالیا نیز جلب نظر دو نفر خبره در حین رسیدگی توسط دادگاه را برای احراز حالت خطرناک بزه‌کار، ضروری نموده است.^{۳۶} در کشورهای دیگر نیز چنین تکالیفی در مرحله صدور حکم برای دادگاه‌ها پیش‌بینی شده است.^{۳۷}

با توجه به اقدامات مؤثر قانون‌گذاران بسیاری از کشورها در تشکیل پرونده شخصیت در مرحله دادرسی، لازم است قانون‌گذار ایران نیز سازو کار مناسبی برای تشخیص حالات و خصوصیات مرتکبین و تشکیل پرونده شخصیت در مرحله دادرسی پیش‌بینی نماید.

ج (شرط شکلی ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، همزمانی اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه و تدابیر نظارتی است. به این معنی که دادگاه صالح ضمن صدور حکم مجازات، دستورات کنترلی و تدابیر نظارتی را نیز لحوق حکم خود می‌نماید. چنین تصمیم‌گیری خالی از اشکال نیست. زیرا از آنجا که اعمال نظارت بر محکوم‌علیه و اجرای دستورات کنترلی پس از تحمل مجازات است، سنجش تناسب دستورات خواسته شده و خصوصیات متهم در زمان دادرسی به دلیل عدم پیش‌بینی ساز و کار لازم بسیار دشوار می‌باشد. به این ترتیب اگر قانون‌گذار تعیین دستورات کنترلی را پس از اجرای حکم مجازات پیش‌بینی می‌کرد، انتخاب مناسب‌ترین دستور با توجه به شخصیت محکوم‌علیه بهتر تأمین می‌گردید.

35. Gordon , R. M (1986): The Impact of the Canadian charter of Rights and Freedom upon Canadian Mental Health law , Medicin and Health Care 14 (3-4) P.195

36. Mage. M (1995): Appeal court Rules Black Can Never be free. Scotsman, 3 February.

37. Tiihon, Jari (2001) Recidivist violent Behaviour and Mental Disorders, Cambridge press. P. 122

۲.۲.۲. اختیاری بودن تدابیر و دستورات نظارتی

همانگونه که اعمال تشدید کیفر در تکرار جرم از سوی دادگاه، اختیاری است، اعمال تدابیر نظارتی نیز با توجه به ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی اختیاری است. این اختیار با فلسفه تعیین تدابیر نظارتی منافات دارد، زیرا بزهکار با توجه به سوابق ارتکاب جرائم عمدی که مستوجب محکومیت مؤثر کیفری است، اثبات نموده است که خطرناک است. از طرفی اجرای مجازات‌های قبلی در باز اجتماعی کردن وی مؤثر واقع نشده است، لذا چنانچه قانون‌گذار احساس خطر از سوی بزهکاران سابقه‌دار نموده است، لااقل می‌بایستی تدابیر کنترلی را الزامی می‌کرد.

۳.۲.۲. مصادیق تدابیر و دستورات نظارتی

قانون‌گذار به جای اینکه با استفاده از تجربه کشورهای دیگر تدابیر و دستورات مستقل و در عین حال متنوع را برای نظارت بر بزهکاران سابقه‌دار پیش‌بینی نماید، تعیین مصادیق این تدابیر را به ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعلیق اجرای کیفر، احاله داده است. این نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرد که تدابیر مذکور در ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی که در خصوص بزهکاران برخوردار از مساعدت، تعلیق اجرای مجازات است، حصری و در خصوص تمامی بزهکاران کارآیی لازم را ندارد. طبع جرائم ارتكابی و سوابق شخص بزهکار و خصوصیات فردی وی اقتضاء می‌کند که تدابیر متنوعتری از سوی دادگاه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد. به این ترتیب احاله مصادیق تدابیر نظارتی به ماده ۲۹ بدلیل محدود بودن این تدابیر منطقی به نظر نمی‌رسد.

قانون مجازات فرانسه در مواد ۱۳۲-۴۶ و ۱۳۲-۴۵ تدابیر بسیار متنوعی را که دادگاه می‌تواند بر محکوم‌علیه تحمیل نماید پیش‌بینی کرده است. لذا دست قاضی صادرکننده

حکم یا قاضی اجرای حکم با توجه به تنوع و تعدد تدابیر در برقراری تناسب بین شخصیت مرتکب و دستورات مورد نظر، باز خواهد بود.^{۳۸}

۲.۲.۴. نحوه اعمال نظارت

در تعلیق اجرای کیفر، دادگاه می‌تواند دستورات مذکور در ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی را به عنوان تدابیر آزمونگر بر شخص محکوم‌علیه تحمیل نماید و علی‌القاعده اعمال نظارت بر اجرای این تدابیر به عهده دادرسی مجری حکم خواهد بود. اعمال چنین نظارتی در دوره تعلیق اجرای کیفر به دلیل برخورداری نبودن از ساز و کار مناسب، همواره با انتقاد مواجه بود. ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی در این زمینه تصریح می‌نماید «دادگاه می‌تواند اجرای دستورات مورد حکم را به سازمان بهزیستی یا سازمان زندان‌ها و یا نیروی انتظامی محول نماید.»

در لایحه دولت که تقدیم مجلس شده بود اجرای تدابیر نظارتی تماماً به نیروی انتظامی محول شده بود، ولی در مصوبه مجلس، تعیین تدابیر به عهده دادگاه و اجرای آن با نظر دادگاه به نهادهای فوق‌الاشاره محول شد. مسلماً تفویض چنین نظارتی به نهادهای یاد شده مستلزم تعیین ضوابط لازم می‌باشد. قانون‌گذار لاقلاً باید نحوه اجرای این نظارت توسط نهادهای مورد نظر را موکول به تصویب آیین‌نامه اجرایی می‌نمود. متأسفانه اجرای ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی علی‌رغم ابهامات و مشکلات عملی به آیین‌نامه

۳۸. برای ملاحظه تدابیر متعدد و متنوع پیش‌بینی شده در قانون مجازات فرانسه که به عنوان تدابیر نظارتی بر بزه‌کاران تحمیل می‌گردد نگاه کنید به: قانون مجازات فرانسه، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، زیر نظر معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه مرکز مطالعات توسعه قضایی، نشر سلیل، چاپ اول، ۱۳۸۶، مواد ۴۶-۱۳۲ و ۴۵-۱۳۲.

اجرایی موکول نشده است. در حال حاضر با توجه به تحمیل چنین وظایف و مسئولیت‌هایی به نهادهای مورد نظر، معلوم نیست اعمال نظارت بدون وجود آیین نامه اجرایی، چگونه انجام خواهد شد؟!

۲.۲.۵. ضمانت اجرای عدم تمکین محکوم‌علیه به اجرای دستورات

نظارتی

طبق تبصره ۲ ماده ۴۸ مکرر «در صورتی که محکوم‌علیه بدون عذر موجه از اجرای دستورات دادگاه تخلف نماید، در نوبت اول تا شش ماه به مدت اجرای دستور افزوده خواهد شد و در صورت تکرار تخلف باقیمانده مدت به حبس تبدیل خواهد شد».

با توجه به اینکه ماده مرقوم مدت نظارت را حداکثر دو سال تعیین کرده است، چنانچه محکوم علیه برای بار اول از دستورات نظارتی تمرد نماید و مدت نظارت مذکور در حکم دادگاه دو سال باشد، معلوم نیست افزودن شش ماه به مدت نظارت اولیه علاوه بر حداکثر دوره نظارت مذکور در حکم اولیه دادگاه خواهد بود یا خیر؟! از طرفی احراز وقوع تمرد از دستورات دادگاه، مشخص نیست با دادگاه صادر کننده حکم است یا دادسرای مجری حکم؟

با عنایت به اهمیت احراز تخلف و به خصوص به دلیل آثار مترتب بر این تخلف که افزایش مدت نظارت یا تبدیل دوره نظارت به حبس را به دنبال دارد، باید همانند تعلیق اجرای کیفری قائل به این امر شد که دادستان مجری حکم موضوع را به دادگاه صادرکننده حکم گزارش نموده و دادگاه در صورت احراز تخلف، تمدید دوره نظارت یا تبدیل دوره نظارت به حبس را تجویز نماید. اقدام قانون‌گذار در تبدیل دوره نظارت به حبس به دلیل تکرار تخلف از دستورات دادگاه را باید نوعی جرم انگاری جدید تلقی

کرد. به این معنا که تکرار تمرد از دستورات نظارتی دادگاه، جرمی است که مستلزم مجازات حبس می‌باشد.

قانون‌گذار با تصویب قانونی بدیع و در عین حال مبهم ضروری بود با موکول کردن اجرای آن به تصویب آیین نامه اجرایی، ابهامات و مشکلات عملی را مرتفع می‌کرد. متأسفانه چنین حزم و دوراندیشی در اقدام قانون‌گذار به چشم نمی‌خورد.

نتیجه‌گیری

رویکرد سنتی تشدید کیفر در قبال مجرمین سابقه‌دار، علی‌رغم این که سالیان طولانی به عنوان سیاست جنایی غالب، در اکثر کشورها بود، در عمل نتوانست معضل بازگشت به رفتار جنایی را منتفی سازد. به این ترتیب جوامع بشری هر چند از پشتوانه‌های کیفری قانون‌گذار برخوردارند، ولی هیچگاه در قبال چنین بزهکارانی احساس امنیت نکرده‌اند، لاجرم باید راه حل مناسب‌تری اندیشیده شود. در حال حاضر اکثر کشورهای دنیا با معضل تکرار جرم و بازگشت بزهکاران به رفتار جنایی، واقع بنیانه برخورد نموده‌اند. به این معنا که به عنوان یک واقعیت اجتماعی پذیرفته‌اند که بعضی از بزهکاران پس از ارتکاب جرم علی‌رغم تشدید کیفر، به رفتار جنایی باز می‌گردند، لذا سرکوبی و استفاده از کیفر، نباید یگانه راه حل مقابله تلقی گردد. بلکه آنچه مهم است، نحوه مدیریت این پدیده در جوامع انسانی است. زیرا از یک سو نمی‌توان خطر ارتکاب جرم از سوی بزهکاران سابقه‌دار را انکار کرد و از سوی دیگر، نمی‌توان به تأمین امنیت اجتماعی بی تفاوت بود. به این ترتیب باید تلاش کرد با وجود بزهکاران سابقه‌دار جامعه را حتی‌الامکان از آسیب رسانی آنان در امان نگهداشت.

در پرتو چنین مدیریتی به قطع و یقین باید تدابیر کارآمدتری اندیشیده شود. تجربه قانون‌گذاری بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که مدیریت خطر ارتکاب جرم، به عنوان سیاست جنایی نوین کارآمدتر از سرکوبی صرف است. کشورهایی مانند فرانسه، استرالیا و کانادا قوانین جامعی در زمینه مدیریت خطر ارتکاب جرم از سوی بزهکاران دارای پیشینه کیفری تدوین کرده‌اند. قانون‌گذار ایران نیز در سال ۱۳۸۷ به دلیل حاد شدن نا امنی ناشی از بازگشت به رفتار جنایی، راه حل جدیدی به پیروی از تجربه قانون‌گذاری کشورهای دیگر در قالب سرکوبگری توأم با مراقبت پذیرفته است. ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی هر چند با تأخیر چند دهه‌ای نسبت به سایر کشورها و علی‌رغم ابهامات فراوان به

تصویب رسید، ولی دریچه‌ای برای یافتن شاهراه منطقی و مناسب در قبال بزه‌کاران سابقه‌دار خواهد بود. به این ترتیب اقدام جدید قانون‌گذار در خصوص نظارت بر مجرمین سابقه‌دار را باید به فال نیک گرفت و امیدوار شد که در آینده ایرادات فعلی در اصلاحات قانون مجازات اسلامی مد نظر قرار گرفته و نسبت به رفع آن اقدام خواهد شد.

فهرست منابع

۱. آنسل، مارک: دفاع اجتماعی نوین، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
۲. اردبیلی، محمد علی: حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۱
۳. استراهل، ایوان: نکات برجسته قانون جزای جدید سوئد، ترجمه پرویز پرویز فر، مجله حقوقی وزارت دادگستری شماره ۳۰، ۱۳۴۳
۴. پرادل، ژان: تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، ۱۳۸۷
۵. حسینی نژاد، حسینقلی: دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰
۶. دانش، تاج زمان: مجموعه قوانین کیفری اجرایی لهستان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲، ۱۳۶۰
۷. علی آبادی، عبدالحسین: حقوق جنایی، جلد دوم، چاپخانه ملی ایران، ۱۳۵۲
۸. غلامی، حسین: تکرار جرم، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۷
۹. قاسمی، ناصر: اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، نشر میزان، ۱۳۷۴
۱۰. گارو: مطالعات نظری و عملی حقوق جزا، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸
۱۱. گسن، ریمون: جرم شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰

۱۲. گسن ، ریمون : جرم شناسی نظری ، ترجمه دکتر مهدی نیا ، انتشارات مجد ،

۱۳۷۴

۱۳. معظمی ، شهلا : حالت خطرناک ، رساله دکتری دانشگاه تهران ، ۱۳۶۳

۱۴. نجفی ابرند آبادی ، علی حسین : کیفرشناسی نو-جرم شناسی نو...، تازه های علوم

جنایی ، مجموعه مقاله ها ، بنیاد حقوقی میزان ، ۱۳۸۸

15. ACJNET : (1995) : A Research On Dangerousness In Canada
16. Blacchfield . M (1995) : Don't Use Hospital As Jails , Expert Pleads Ottawa , (January) 20
17. Blumestein . Alfred , Jacquelin Cohen (1986) : Criminal Careers And Career Criminals , National Academy Press , Washigton D.C
18. Crut . R (1995) : Criminal Behaviour , U.S.A . Bartol
19. Darton . Katherin (2001) : Dangerousness , , Mind Publisher . London .
20. Gottfredson , Michael . R Aand Travis Hirschi (1980) : Science, Public policy and Career Paradigm , Criminology 26 (1)
21. Grodon , R . M (1986) : The Impact of The Canadian Charter of Right And Freedom Upon Canadian Mental Health Law , Medicin And Health Care 14 (3-4)
22. Heilburn . Alfred (1996) : Criminal Dangerousness And Risk of Violence , Maryland .
23. Mega . M (1995) : Appeal Court Black , Scotsman , 3 February
24. Menzies , R . Webster , C And Scaglione , R. (1994) : Assessing Forensic Predictions About Violence , Law and Human Behaviour , 18 (2)

25. Norval. Morriss (1957) : the Habitual Criminal , London Press .
26. Pinatel, Jean (1970) : Criminologie , Paris .
27. Tiihon, Jari (2001) : Recidivist Violent Behaviour And Mental Disorders, Cambridge Press .
28. Tremblay, R .And Carig, W . M (1995): Development Crime Prevention, University of Chicago Press .

۲۹. قانون اقدامات تأمینی

۳۰. قانون مجازات عمومی

۳۱. قانون مجازات فرانسه ، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی زیر

نظر معاونت حقوقی و توسعه قضایی

۳۲. قانون مجازات اسلامی